

زیبایی جهان عبور از حسد در فهم ابعاد انسانیت انسان

باسمه تعالی

یا هِشَامُ: «أَفْضَلُ مَا تَقَرَّبَ بِهِ الْعَبْدُ إِلَى اللَّهِ بِعَدِّ الْمَعْرِفَةِ بِهِ الصَّلَاةُ وَ بِيْرِ الْوَالِدَيْنِ وَ تَرْكِ الْحَسَدِ وَ الْعُجْبِ وَ الْفَخْرِ.» ای هشام: بهترین وسیله تقرب بنده به خدا پس از شناختن او نماز است، و خوشرفتاری با پدر و مادر، و ترک حسد و خودبینی، و بالیدن.

حسد به معنای آرزوی نابودی نعمتها و داشته‌های دیگران و خواستن نعمت فقط برای خود است
امام صادق «علیه السلام» می‌فرمایند: «إِنَّ الْمُؤْمِنَ يَغِيظُ وَلَا يَحْسُدُ وَالْمُنَافِقُ يَحْسُدُ وَلَا يَغِيظُ» به راستی مؤمن غبطه می‌خورد، ولی حسادت نمی‌ورزد، اما منافق حسادت می‌ورزد و غبطه نمی‌خورد. چون به وعده الهی امیدوار است.

فرموده‌اند: حسد از صفات بسیار زشت و از خطرناکترین و بزرگترین گناهان و نخستین گناهی است که در آسمان‌ها ابلیس و در زمین قابیل مرتکب آن گردیده و بر اثر ابتلای به آن برادرش (هابیل) را کشت.

از جمله آثار عمومی حسادت، «خشم» است. از امام علی «علیه السلام» نقل شده است: «الْحَسُودُ يَغْتَاطُ عَلِيَّ مِنْ لَا ذَنْبَ لَهُ» حسود نسبت به کسی که هیچ گناهی ندارد خشمگین می‌شود. تنها خطای او برخورداری از نعمتی است که حسود از آن محروم می‌باشد.

«الْحَسُودُ سَرِيعُ الْوَثْبَةِ» حسود زود پرخاش می‌کند.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ «صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ»: قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِمُوسَى بْنِ عِمْرَانَ «عَلَيْهِ السَّلَامُ» يَا ابْنَ عِمْرَانَ: لَا تَحْسُدَنَّ النَّاسَ عَلَيَّ مَا آتَيْتَهُمْ مِنْ فَضْلِي وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَى ذَلِكَ وَلَا تُثْبِعْهُ نَفْسَكَ فَإِنَّ الْحَاسِدَ سَاخِطٌ لِنِعْمِي صَادٌّ لِقَسَمِي

الَّذِي قَسَمْتُ بَيْنَ عِبَادِي وَمَنْ يَكُ كَذَلِكَ فَلَسْتُ مِنْهُ
وَلَيْسَ مِنِّي.

رسول خدا «صلی‌الله‌علیه‌وآله» فرمودند: خدای عزوجل به موسی بن عمران «علی‌بنینا و آله وعلیهما السلام» فرمود: ای پسر عمران! بر آنچه از فضل خود به مردم داده‌ام حسد مبر و چشمت را دنبال آن دراز مکن و دلت را پی آن مبر، زیرا حسدکننده، از نعمت من ناراحت است و از تقسیمی که میان بندگانم کرده‌ام جلوگیری است، و کسی که چنین باشد، من از او نیستم و او از من نیست (میان من و او ارتباط و آشنائی نباشد).

درمان حسد: عمل بر ضد مقتضای حسد در گفتار و کردار؛ مانند تواضع، خیرخواهی، خدمت به دیگران، شاد گشتن از رسیدن خیر به دیگران. عقبه‌ای زین صعب‌تر در راه نیست ای خُنْک آن کش حسد همراه نیست

توانم آن‌که نیازم اندرون کسی
حسود را چه کنم کوز خود به رنج در است

کمتترین خوشان به زشتی آن حسد
آن حسد که گردن ابلیس زد
زان سگال آموخته حقد و حسد
که نخواهد خلق را ملک ابد
زان‌که هر بدبخت خرمن سوخته
می‌نخواهد شمع کس افروخته
هین کمالی دست‌آور تا توهم
از کمال دیگران نفتی به غم
از خدا می‌خواه دفع این حسد
تا خدایت وارهباند از جسد
مر تو را مشغولی بخشد درون
که نپردازی از آن سوی برون

